



آقای خبرنگار ورزشی!

از گذشته دیدیم و می‌دانیم که این منطقه بورس فروشگاه‌های مکانیکی، خودروهای سنگین، تراکتور و ادوات کشاورزی و... بوده است. با ازدحام کوچه‌پس‌کوچه‌های خیابان امام رضا (ع) آشناییم و شکل و شمایل این منطقه را پذیرفتیم.

در عوض اینجاییان من مزیت‌های زیادی دارد؛ مثل دسترسی آسان به مرکز شهر، بی‌آرتی، مترو و حتی فرودگاه. شاید هم جواری فرودگاه برای خیلی از ساکنان اینجا مزاحمت تلقی شود ولی برای من که به فراخور کارم سفرهای هوایی زیادی دارم، مزیت خوبی است.

● **آزودارم خبرنگار دفتر رهبری باشم**
اما آقای خبرنگار یک آرزوی قلبی دارد و اینکه روزی خبرنگار دفتر رهبر معظم انقلاب باشد. او ارادت زیادی به ایشان دارد و به خاطره‌ای که از دوران سربازی برایش ماندگار شده، اشاره می‌کند: «زمانی که من دوره آموزشی را در یادگان شهبان می‌گذراندم رهبر معظم انقلاب سفری به خراسان شمالی داشتند و توفیق شد که در مقابل بالاترین مقام کشور رژه نظامی برویم. این فرصت خیلی کم برای سربازان پیش می‌آید ولی در سال ۹۱ برای من پیش آمد چون قبل‌بندی دارم در نخستین صف در مقابل رهبر رژه رفتم. من هنوز فیلم آن رژه را دارم و جزو بهترین خاطرات زندگی ام است.»

● **از اینکه خبرنگار شدی راضی هستید؟**
بله. همان‌طور که خودتان می‌دانید حرفه ما همه‌اش عشق و علاقه است. کسی که وارد رسانه می‌شود باید به کارش عشق داشته باشد و انگاه مادی نمی‌شود به کار رسانه ادامه داد.

● **مهم‌ترین معضل شهر مشهد از نگاه شما کدام است؟**
ترافیک زیاد و شیوه نادرست رانندگی شهروندان مشهود. بدون تعارف، رانندگی در مشهد مشکل دارد و بی‌احترامی به قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی سابقه دارد. شاید با همکاری رسانه‌ها بتوان مهارش کرد.

مستطفی رحیمی ۲۴ ساله از میان انبوه مجلات ورزشی و علوم و فناوری سر از باشگاه خبرنگاران جوان درمی‌آورد! این خبرنگار (پرسپولیسی) درباره علاقه‌اش که منجر به ورودش به حوزه رسانه شده، می‌گوید: «خیلی علاقه داشتم اطلاعات عمومی بالایی داشته باشم و برای همین در کنار تحصیل، نشریات و مجلات ورزشی و فناوری زیادی می‌خریدم و مطالعه می‌کردم. این نشریات هنوز در اتاق شخصی من، بایگانی شده است؛ نشریاتی مثل ماشین پناو، در حدود هفت سال پیش که من وارد این حوزه شدم، دسترسی به رسانه‌ها و شبکه خبری مثل این روزها ممکن نبود و مطالعه نقد و نوشته‌های خبرنگاران در رسانه‌های مکتوب کار همیشگی من بود. علاقه و گرایش من به ورزش بود و در این زمینه مطالعه زیادی داشتم.»

بهمین با اسفند سال ۸۹ بود که وارد باشگاه خبرنگاران جوان شدم. بعد از آن در خبرنگاری فارس مشغول به کار شدم و این همکاری تا شهریور سال گذشته ادامه داشت. من در سرویس‌های متعدد فرهنگی، سیاسی و ورزشی خبرنگاری فارس خراسان رضوی بودم. نویسنده‌گی، گزارش نویسی و دست‌به‌قلم بودن خیلی برایم جذاب بود و دوست داشتم گاهی از کار مردم باز کنم. رحیمی در سال‌های فعالیت که پشت سرگذاشته است، همه حوزه‌های خبری مثل مصاحبه و گزارش را تجربه کرده و موبایل گرافی را هم به‌طور تجربی و با علاقه دنبال کرده است.

● **زندگی در اینجا برای اهالی قدیمی، ساده‌تر است؟**
اوچهره رسانه‌ای است که همسایه‌های اهالی کوشش ۱۵ و حدود ۱۳ سال است، در این محدوده زندگی می‌کند. وقتی می‌خواهیم از معضلات منطقه بگویم، بانگاه متفاوتی آشنا می‌شویم؛ «اگر از قدیمی‌های خیابان امام رضا (ع) و نخریسی پرسید، می‌گویند برای ما معضل خاصی وجود ندارد، اماری برای کسانی که به تازگی در این مناطق ساکن شدند، شاید زندگی مشکل باشد، ما

۱۷ مرداد را با خبرنگاران ساکن در منطقه ۷ سرکنیم

آهای خبردار!

شاد فر - تقارن انتشار این شماره هفته‌نامه شهر آرا محله با روز خبرنگار، فرصتی شد تا سراغ فعالیت رسانه‌ای برویم که ساکنان منطقه ۷ هستند. هر چند نویسند، به عنوان همکار رسانه‌ای مصاحبه‌بند داریم. خوب می‌دانم هر کدام از ما ساعت‌های کوتاهی از شبانه‌روز را در محل زندگی مان می‌گذرانیم و بیشتر زمان را در محلی که مربوط به دفتر رسانای یا امورهای کاری ما می‌است. سبزی می‌خوریم، متوجه شدیم در پنج‌شنبه محله از بزرگ‌ترین منطقه شهر مشهد، نمایندگانی از رسانه‌های مختلف داریم که جای خوشحالی است. ما به همین مناسبت، در هیئت این روز شلوغ، پای خبرنگاران را به میان آوردیم تا از سبزی، شرایط کاری، نوع نگاهشان به محل زندگی و دغدغه‌هایشان بگویند. به‌اندازه مشغله‌های کاری هر کدام، مصاحبه‌ها را از گفتگو با شخصیت‌های کشوری هم سخت‌تر کردیم.

خانم یوسفی ایرنا!

فاطمه یوسفی خبرنگار خوش‌برخورد و بااخلاق خبرنگاری ایرناست. او سال ۷۸ دانشجوی دانشگاه علامه طباطبایی تهران بوده و از سال دوم دانشگاه هم‌زمان با تحصیل در رشته روزنامه‌نگاری، کارش را به‌صورت کارورزی در روزنامه قدیمی کیهان آغاز کرده است. گزارش‌نویسی را با خانم مینو بدیعی از اساتید تهران که هم‌دوره مرحوم استاد حسین قندی (سلطان تیتیر ایران) بوده، آغاز و هم‌زمان با روزنامه‌های ایران و بعد از آن با روزنامه قدس در نخستین نمایندگی این روزنامه در تهران کار کرده است.

● **روزی که برای گزارش رفتیم، ترسیدم**
پیکیری دیگر او مربوط به سال ۸۰ و نبود مرکزی مناسب برای نگهداری متکدیان در مشهد می‌شود؛ «گزارشی کار کردم که رسانه‌های خارجی هم به آن موضوع توجه نشان دادند. ما چرا از آنجا شروع شد که برای اطلاع از وضعیت متکدیان به محل تجمع آن‌ها رفتیم. ساختمانی که آن‌ها در آن اسکان داشتند، دخمه‌ای کثیف و وحشتناک بود. من به عنوان خبرنگار با همراهی دو همکار آقا به آن ساختمان رفتم. بعد از انتشار گزارش، دکتر حسینی که در آن زمان مسئولیتی در استانداری خراسان رضوی داشت از محل بازدید و برای سامان‌دهی آنجا سریع اقدام کرد. نتیجه این شد که ساختمانی تمیز و به تفکیک آقایان و بانوان آماده و تا حدودی وضعیت متکدیان سامان‌دهی شد.»

بانوی خبرنگار ساکن در منطقه ما، می‌گوید «من عاشق این حرفه هستم و در این ۱۶ سال فقط با عشق کار کردم». او بدون تعارف اضافه می‌کند: «سوتی هم طبق معمول بوده و امری گریزناپذیر است، اما انقدر بزرگ و فاحش نبوده که در ذهنم مانده باشد». تأکید اصلی این کارشناس ارشد رشته ارتباطات و چهره رسانه‌ای ساکن در منطقه ۷ حفظ اخلاق در کار است و می‌گوید: «با رعایت همه حساسیت‌ها سعی کرده‌ام اخبار و گزارش‌ها را با دقت و در لحظه اطلاع‌رسانی کنم.»

● **سرسبزی منطقه ۷ از جاذبه‌های آن است**
امامی خواهیم نگاه این خبرنگار تیزبین به محله و منطقه سکونتش را بدانیم که خیلی سریع دست روی ظرفیت‌ها و نقاط قوت محل زندگی‌اش می‌گذارد و بیان می‌کند: «بوستان ریحانه که محلی اختصاصی برای بانوان شهرم است، ظرفیت خوبی برای پرکردن اوقات فراغت بانوان ایجاد کرده است. با اینکه در چند سال گذشته اقدامات خوبی در توسعه اماکن تفریحی شده است، باز هم باید برای پرکردن اوقات فراغت جوانان و نوجوانان در محیط‌های سالم، تدارک فضای مناسب دید. ارتقای سطح خدمات در این منطقه، خواسته ساکنان آن است. همچنین باید به ارتقای کیفی ساخت‌وسازها توجه شود؛ در سال‌های اخیر ساخت‌وسازها حساب‌شده نبوده و این نابسامانی را در محدوده‌هایی مثل ابتدای بولوار یوسفی فضاهای سبز گسترده منطقه ۷ را جزو جاذبه‌های این قسمت از شهر برای خودش می‌داند و می‌گوید: «نه تنها باید از فضاهای موجود نگهداری شود که باید گسترش هم پیدا کنند.»

فاطمه یوسفی خبرنگار خوش‌برخورد و بااخلاق خبرنگاری ایرناست. او سال ۷۸ دانشجوی دانشگاه علامه طباطبایی تهران بوده و از سال دوم دانشگاه هم‌زمان با تحصیل در رشته روزنامه‌نگاری، کارش را به‌صورت کارورزی در روزنامه قدیمی کیهان آغاز کرده است. گزارش‌نویسی را با خانم مینو بدیعی از اساتید تهران که هم‌دوره مرحوم استاد حسین قندی (سلطان تیتیر ایران) بوده، آغاز و هم‌زمان با روزنامه‌های ایران و بعد از آن با روزنامه قدس در نخستین نمایندگی این روزنامه در تهران کار کرده است.

خبرنگار با سابقه شهرمان، از سال ۷۹ که به مشهد آمده در خبرنگاری ایرنا (خبرگزاری رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران) مشغول به کار شده است. اما قبل از آن، به عنوان ویراستار با نشریه‌ای در حوزه گردشگری همکاری می‌کند و بعد از اینکه با رسانه‌های مشهد ارتباط بیشتری برقرار می‌کند برای فعالیت جدی خبری به خبرنگاری ایرنا و سازمان صداوسیما رزومه و درخواست همکاری می‌دهد. اتفاقاً در هر دو جای پذیرفته می‌شود ولی در ایرنا زودتر؛ و این‌طور می‌شود که سال‌هاست او را به خانم یوسفی ایرنا می‌شناسیم. با اینکه علاقه‌مندی او به سوژه‌هایی در حوزه آسیب‌های اجتماعی است، از خبرنگاران با سابقه در سرویس سیاسی است. درباره توجه به علاقه‌ای که دارد، می‌گوید: «سوژه‌های مورد علاقه من در حوزه آسیب‌های اجتماعی است و تا سال گذشته، بیشتر فرصت پرداختن به آن را داشتم، اما با وجود آفیش‌های متعدد خبری مشهد در حوزه سیاسی، این روزها وقت پرداختن به آن را ندارم.

او به‌دو نمونه از گزارش‌هایش در حوزه آسیب‌های اجتماعی اشاره می‌کند که به نتیجه رسیده است و این نتیجه برای او خوشایند و برای شهرمان مفید است. در این باره توضیح می‌دهد: «سال ۷۹-۸۰ گزارشی از ورود خانم‌های

ترکمن به مشهد را کار کردم که تجمع آن‌ها در اطراف حرم به‌ویژه کوچه عیدگاه باعث بروز ناهنجاری‌های

